

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

توانمندسازی اقتصادی زنان، میان اسلام و کپی‌تالیزم

(ترجمه)

الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾ [آیه 77 سوره قصص]

ترجمه: به وسیله آنچه الله به تو داده است، سرای آخرت را بجوی (و بهشت جاویدان را فرا چنگ آور) و بهره خود را از دنیا فراموش مکن (و بدان که تو هم حق حیات داری و باید از امتعه و لذائذ حلال استفاده بکنی و به خویشتن برسی)، و همان گونه که الله به تو (بخشیده است و در حق تو) نیکی کرده است، تو نیز (به دیگران ببخش و بدیشان) نیکی کن و در زمین تباهی مجوی که الله تباهکاران را دوست نمی‌دارد.

الله سبحانه و تعالی انسان را آفرید و برای کامیابی در دنیا و آخرت به او دستور داد که از اوامرش پیروی کند و او را موظف ساخت که برای دنیا و آخرت خود تلاش نماید و به همین دلیل نظامی را در جنبه‌های مختلف زندگی آن ایجاد کرد و مخلوقاتش را ملزم ساخت تا از آن اتباع داشته باشند تا در دنیا از زندگی نیکی برخوردار شوند و در آخرت بهشت را بدست آورند، و این یک پیروزی بزرگ است.

زن که یک فردی از این بشریت است، نظام‌های الهی وی را شامل می‌شود و او مانند یک مرد ملزم به پیروی از دستورات پروردگارش برای پیروزی در دو جهان گردیده است. اما غرب که دشمن اسلام و مسلمانان می‌باشد، راه دیگری را برای او اراده نموده است. زیرا تأثیر مثبت زن را در احیای جوامع شناخته است و هم‌چنین اثر منفی او را در صورتی که از مسیر درست منحرف شود. بناءً غرب تمام توان خود را برای تحقق هدفش به خرج داده است که عبارت از تخریب بنای اسلامی و تضعیف ستون‌های آن می‌باشد و تیرهای زهرآگین خود را به سوی زن متوجه ساخته و شروع به اجرای برنامه شیطنی خود کرده است و آن این است که توجه زن را از وظیفه اصلی‌اش منحرف کند و آن را وابسته به مزخرفاتی بگرداند که نظام‌های اسلامی از نگرانی در مورد آن بی‌نیاز هستند. از آن جمله توانمندسازی اقتصادی می‌باشد.

برای این که نشان دهیم این شعار برای زنان چقدر نادرست و گمراه کننده است، باید به مقایسه سریع سرمایه‌داری و اسلام در توانمندسازی اقتصادی زنان اشاره کنیم.

الف) در سرمایه‌داری: بهره‌برداری ایدیولوژی سرمایه‌داری از زن و تبدیل نمودن آن به کالایی برای خرید و فروش نتیجه طبیعی و اجتناب ناپذیر دیدگاهی است که این ایدیولوژی برای زن دارد. زن در ایدیولوژی سرمایه‌داری یک قطعه هنری است که از دیدنش لذت می‌برد و محل شهوت جهت ارضای غریزه‌ها برای لذت فردی مردان به شمار می‌رود و در تعامل با آن به مسئله آبرو توجه نمی‌کند. بنابراین می‌بینیم، جامعه‌ای که ایدیولوژی سرمایه‌داری را برگزیده است، زن را برای این هدف به کار گرفته که برگرفته شده از طرز دیدگاه او در زندگی می‌باشد. چنین جوامعی را می‌بینیم که:

1) از جسم و زیبایی زن برای تبلیغ کالاها و تجارت آن استفاده می‌کند، تا جایی که در هر تبلیغ تجاری کالاها، بدون توجه به نوع کالا و این که متعلق به زنان است یا نه، زنان را درگیر می‌کند. به عنوان مثال می‌بینیم که زنی برای اعلان موترها و در تبلیغات مواد اصلاح سر و صورت مردان حاضر است.

2) هم‌چنین صاحبان اموال و شرکت‌ها اعم از مدیران و بازرگانان از زن به عنوان شاهکار هنری استفاده می‌کنند که با آن میزهای جلسات و معاملات تجاری خود را تزئین کنند، به دلیل تجربه و اطلاعات مفید او نه، بلکه برای تزئین میز و دادن جلوه زیبایی به آن و هم‌چنین به عنوان یک هدف برای سوءاستفاده از مخالفان استفاده می‌گردد.

3) هم‌چنین، صاحبان مؤسسات و شرکت‌ها در تقاضاهای شغلی خود شرط می‌کنند که متقاضی از زیبایی ظاهری و بی‌حجابی برخوردار باشد و توجه زیادی به گواهی‌نامه‌های تحصیلی یا تجربه‌اش در این زمینه ندارند، آنچه مهم است این است که او زیبا و جذاب باشد.

4) بر این اساس، بسیاری از مشاغل در انحصار زنان زیبا است و کسانی که زیبایی و فتنه کمتری دارند، حتی اگر دانش و تجربه بیشتری داشته باشند، از آن مشاغل محروم می‌شوند و این موضوع بسیاری از دختران را به جراحی‌های زیبایی خطرناک که مخالف شریعت است، دعوت کرده است، آن‌هم برای دستیابی به شغلی که نیاز به زیبایی و برانگیختن دارد. بسیاری از کارهای ایجاد شده توسط این نظام را به طور انحصاری برای زنان می‌یابیم، مانند تبلیغات، نمایش‌های مود، هنرمندان، مانند بازیگران، خوانندگان و مهمانداران هواپیماها، که همه سرنوشت همان کسانی را دارند که از زیبایی و زنانگی خود بهره می‌برند. در حالی که مسیرشان پس از از بین رفتن زیبایی و پیر شدن همان، مورد بی‌توجهی قرار گرفتن و به حاشیه رفتن است؛ چون دیگر آن درخشش و براقت قبلی را ندارد. به همین خاطر او را در کنار جاده می‌اندازند که محتاج لقمه نان یا قیمت دارو است، در حالی که او بالاترین دستمزد را برای کارهایی خود در اوج جوانی می‌گرفت.

5) گذشته از استثمار مدیران و مسئولان (در پست‌های سکرتریت) تا به اعمال خاص‌شان بپردازد و نه تنها به اعمال خاصی در وظیفه؛ بلکه از نیازمندی وی برای کار و ضعف وی بهره‌جوئی می‌کنند و با وجود این همان حقوق مادی و مالی که برای مردانی مثل وی می‌پرداختند، برای زن نمی‌پردازند.

6) چنانچه ایدیولوژی سرمایه‌داری زنان را با تعدادی شعارهای براق و دروغ مانند: آزادی زنان، توانمندسازی اقتصادی، خودکفایی، آموزش یک سلاح است، مساوات زن و مرد و سایر شعارها فریب داده است. همه این‌ها شأن و جایگاه زن را خرد و سرگردان کرده مانند حیوانی که در اطراف چرخ آب می‌چرخد، برای تأمین معاش خود شبانه روز در خانه و بیرون کار می‌کنند، فشارهای روحی و جسمی ناشی از شلوغی کار و هم‌چنین آزار، اذیت و استفاده‌جویی‌های صاحبان کار را تحمل می‌کنند.

7) در نتیجه مفاهیم ایدیولوژی سرمایه‌داری که زنان را اشباع کرده و عقل آنان ربوده است، زن از تحت قیمومیت مرد و مسئولیت وی در قبال زن بیرون شده، همانطور که مرد از وظایف مربوطه‌اش که به او سپرده شده، دور گردیده است. بنابراین، پدر، برادر، شوهر یا پسر وی به او توجه نمی‌کنند، زیرا نظام آن‌ها را ملزم نمی‌کند که برای او خرج کنند یا از او مراقبت نمایند. پس او در کشمکش زندگی می‌کند تا لقمه نانی برای خود بدست آورد؛ سپس گردش می‌کند تا به خانه سالمندان یا کنار جاده می‌رسد.

8) زن غربی را می‌بینیم، در نتیجه این واقعیت، از مسئولیت‌های خود در قبال فرزندانش از تربیت و مراقبت آنان نیز شانه خالی کرده است، اما زن مسلمان، بین تمایل به کار و خودکفائی و بین محبت به فرزندان و مسئولیت‌هایش در قبال آن‌ها در یک کشمکش درونی زندگی می‌کند، که بر سلامتی و روان وی تأثیر منفی می‌گذارد.

9) پس در می‌یابیم این ایدیولوژی که در مورد شعارهای دروغین صحبت می‌کند که از طریق آن زن فریب می‌خورد که اسلام به او و حقوق او ظلم کرده و مرد را از او متمایز نموده است و همین ایدیولوژی عادل‌ترین است و او را آزاد کرده است، در حالی که همین ایدیولوژی است که از شرافت او سوءاستفاده کرده، هیچ‌گاهی به تقاضاها و صداها و توجه نکرده که از حاکم ظالم یا قانون ستمگر و یا از گرسنگی مهلک فریاد زده است. اگر کسی به واقعیت موجود که در آن زندگی می‌کنیم نگاه کند؛ به آینده‌نگری زیادی احتیاج ندارد. این واقعیت میزان رنج زنان را تحت این نظام نشان می‌دهد؛ حالتی که از عیوب و تقلب این نظام پرده بر می‌دارد، فساد و بی‌بندباری این نظام را چنان اعلان خواهد کرد که جای شک باقی نماند. زنان شام از بی‌عدالتی نظام حاکم فریاد می‌زنند و در مرزها و اردوگاه‌ها از گرسنگی و سرما می‌می‌روند و زنان یمن با فرزندان‌شان از گرسنگی و فقر در حال مرگ هستند، هم‌چنین زنان مراکشی و زنان سودانی که در کار طاقت فرسایی کار می‌کنند که برای مردان دشوار است، بدون این که کدام اساسی از برای ایمنی شغلی شان برای شان فراهم گردد، زنان اوغور و میانمار، زنان عراقی، زنان فلسطینی و...

این افراد از دیدن این همه حالات کجا هستند؟ کجاست ادعاهای گمراه‌کننده و فریبنده آن‌ها در مورد حقوق زن، انسانیت زن و آزادی زن؟! واقعاً این یک کار خنده‌آور است. پس تو ای زن! از آن دوران زیبایی که تحت حاکمیت اسلام با عزت، با کرامت و محفوظ زندگی کردی، کجا هستی؟

ب) در اسلام: اسلام زندگی شایسته‌ای را برای زنان تضمین کرده است. وی مکلف به کار کردن برای مصارف خود یا دیگران نمی‌شود و اگر چنین کاری انجام دهد، اسلام مانع او نمی‌گردد، اما او باید کارهای را انجام دهد که با مقررات اسلام موافق باشد و عزت، کرامت، شرافت یا بدن او آسیب نبیند؛ زیرا ما رسانه‌های را مشاهده می‌کنیم که برای ما جواز بیرون شدن زن را برای کار به تصویر می‌کشند (یعنی کاری) تا غذای برای کودکانش فراهم کند، حتی اگر فروش بدنش باشد.

اگر زنی کار مشروعی انجام دهد و خرج فرزندان خود کند، نفقه او به عنوان صدقه برای او محاسبه می‌شود، از زینب همسر ابن مسعود رضی الله عنهما روایت شده که گفت: ای رسول الله صلی الله علیه و سلم، آیا برای ما جواز دارد که صدقه خود را به شوهر فقیر خود یا برادرزاده‌هایی که با ما زندگی می‌کند، بپردازیم، رسول الله صلی الله علیه و سلم برایش فرمودند:

«لَكَ أَجْرُ الصَّدَقَةِ، وَأَجْرُ الصَّلَاةِ»

ترجمه: برای تو (دو پاداش است) پاداش صدقه و پاداش مراعات صلّه رحم.

1) اسلام سرپرست زن را موظف کرده است که نفقه‌اش را بپردازد و زندگی مناسبی را در حد و توانایی‌هایی که دارد، برایش فراهم کند، حتی اگر زن ثروتمند باشد. این مسئولیت از پدرش، سپس از برادرش، سپس از شوهرش، بعد از آن از فرزندش می‌باشد. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ﴾ [آیه 34 سوره نساء]

ترجمه: مردان بر زنان سرپرستند (و در جامعه کوچک خانواده، حق رهبری دارند و صیانت و رعایت زنان بر عهده ایشان است) بدان خاطر که خداوند (برای نظام اجتماع، مردان را بر زنان در برخی از صفات برتریهائی بخشیده است و) بعضی را بر بعضی فضیلت داده است و نیز بدان خاطر که (معمولاً مردان رنج می‌کشند و پول به دست می‌آورند و) از اموال خود (برای خانواده) خرج می‌کنند.

این قوامیت که موجب آسفتگی غرب شده و توسط یک جنگی سخت با آن جنگیده است و تمام توان خود را برای به دست آوردن هدف خود از زن و استفاده از آن برای از بین بردن نسل‌های اسلامی به کار گرفته است.

2) اما اگر زنی نان‌آور خانواده را از دست داد و سرپرستی برای حمایتش نداشت، آیا اکنون وی به کار و هزینه‌ی اضطراری مکلف است یا خیر؟ ما جواب را از داستان امیرالمؤمنین عمر بن الخطاب، با زن و پسر گرسنه‌اش به دست می‌آوریم: زمانی که عمر برای بازرسی از وضعیت رعیت خود بیرون شد، چنان که بر یک حاکم مسئول لازم است. زنی را دید که کودکانی در اطراف او نشسته اند و گریه می‌کنند، وی نزدیک آن زن شد و از او علت این گریه را پرسید، زن در جواب گفت که کاری می‌کند که بچه‌ها فکر کنند که وی غذا می‌پزد تا از انتظار و گریه خسته شوند و بخوابند؛ این کار هم‌چون صاعقه‌ای برای عمر تمام شد؛ آن عمری که از الله سبحانه و تعالی نسبت به محاسبه در مورد شتری که به زمین خورده است، می‌ترسد. سپس می‌رود و خودش طعام را حاضر می‌سازد و برای او و فرزندان غذا می‌پزد و با دست خود آن‌ها را تغذیه می‌کند تا آن‌ها سیر شوند. بناءً زنی که نان‌آور ندارد، در این صورت دولت اسلامی نان‌آور و سرپرست اوست و اگر حاکم در این راستا کوتاهی کند، گناهکار است.

چنانکه اسلام تأمین هزینه‌ی هر فقیر را تضمین کرده است. بیوه باشد یا شخص دیگری، از طریق نظام نفقات که توسط پروردگار جهانیان برای حل فقر، دست‌تنگی و نیازمندی شرع شده است، بر ثروتمندان سرپرستی از زنان و مردان فقراء را به صورت یکسان فرض گردانیده است. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«السَّاعِي عَلَى الْأَرْمَلَةِ وَالْمَسْكِينِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ».

ترجمه: کسی که به بیوه و مسکین کمک کند؛ مانند مجاهد در راه الله (سبحانه و تعالی) است.

3) از طرفی دیگر در دولت اسلامی می‌بینیم که برای فراهم‌سازی فرصت‌های کاری مناسب برای مردان با مزد کافی اهتمام زیادی صورت می‌گیرد تا زندگی مناسب به آن‌ها و خانواده‌های آن‌ها مهیا نماید. بنابراین زنان مجبور نیستند برای خرج خانه‌های خود یا برای کمک به شوهران‌شان در پرداخت هزینه‌ها به بازار کار بروند و وقت کافی فراهم می‌شود تا به مراقبت از فرزندان خود و تربیت صحیح آن‌ها بپردازد و از ایشان دانشمندان، بزرگان و فاتحانی مانند شافعی، محمد فاتح و غیره به جامعه تقدیم گردد.

4) از طرف دیگر، اگر زنی به شوهر بد و بخیلی مبتلا شود که در انفاق کردن بر وی سخت‌گیری نماید، در این صورت اسلام به او اجازه داده است بدون اجازه او از پول وی بگیرد؛ به اندازه‌ای که کفایت او و فرزندان او را بکند. از عایشه رضی الله عنها روایت شده که هند بنت عتبّه گفت: ای رسول الله صلی الله علیه وسلم! ابوسفیان انسان بخیلی است و برایم چیزی نمی‌دهد که کفایت من و فرزندانم را بکند؛ مگر این که بدون اطلاع وی چیزی از او بردارم. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«خُذِي مَا يَكْفِيكَ وَوَلَدَكَ بِالْمَعْرُوفِ».

ترجمه: (از مال وی) بگیر به اندازه‌ای که کفایت تو و فرزندان‌ت را به طریقه نیکو بکند.

هم‌چنین قاضی او را مکلف به پرداخت نفقه می‌گرداند، در صورتی که زن از وی شکایت کند.

5) زن در اسلام مسئولیت مالی خودش را دارد و برای هیچ‌کس جواز ندارد تا بر مال وی مسلط گردد یا چیزی را از مال وی بگیرد، مگر با اجازه او. زن حق دارد در مال خود با هبه، بخشش یا انفاق، چنانکه دوست دارد، تصرف کند.

این اسلام و این قوانین آن است. انتخاب به دست زن می‌باشد و بر وی لازم است تا یکی را انتخاب کند؛ بین این که هم‌چون زنی استهلاک شده و برده باشد یا هم‌چون یک ملکه تاج‌دار که همه برای خدمت و مراقبت از او رقابت می‌کنند.

ای بار الها! آمدن دولت اسلامی - دومین دولت خلافت راشده بر منهج نبوت - را زودتر نصیب گردان و ما را زیر سایه احکام اسلام، با عزت و با کرامت زنده داشته باش! آمین!

نویسنده: رولا صلاح - سرزمین مبارک (فلسطین)

مترجم: احمدصادق امین